**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و هفتم\_ 30 دی 1399**

[کلام ما در وجوه شباهت و افتراق تعارض با اشتباه حجت با لاحجت]

فرمایش حضرت آقای سیستانی دامت برکاته در مورد شباهت­ها و تفاوت­های مسألۀ تعارض با مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت توضیح مفصلش گذشت.

آن­چه به نظر می­رسد در این مسأله می­توان گفت این­که:

1. در تعارض اولاً باید در نظر داشت که به صورت ظاهر دو دال درگیری دارند، ولی درگیری واقعی بین دو مدلول است، آن­چه باعث می­شود این دو دال با یکدیگر جمع نشوند، از جهت اختلاف مضمون و مدلول است.

ثانیاً مرادمان از تفاوت مدلول در دو روایت این است که نتوانیم بگوییم هذا هو مدلول الجدی، و هذا هو المدلول الجدی. عام مدلول جدی باشد بما هو عام، خاص مدلول جدی باشد به ما هو خاص و همینطور در حکومت. متعارضین هر دو نمی­توانند، مدلول جدی باشند؛ لذا در موادی یکی از این دو را از مدلول جدی بودن می اندازیم، مثلا می­گوییم تقیه است.

ثالثا تعارض فرق بر حجیت لولائیه است. یعنی این روایت لولا آن روایت حجت باشد، آن روایت هم لولا این روایت، حجت باشد. از نظر صدوری اطمینان به صدور داشته باشیم، از نظر متنی هم مخالف قطعیات عقلیه و دینیه نباشد، و الّا اگر حجیت لولائیه در هر دو نبود، یا در یکی نبود، تعارض معنا ندارد، بنابراین غیر از لزوم عدم مخالفت جدی متن با قطعیات عقلی و دینی باید از نظر صدور و سند اطمینان به صدور داشته باشیم. البته مبانی برای اعتبار سند متفاوت است، کاری با آن مبانی نداریم، ولی همۀ این مبانی در این نکته معترف هستند که باید صدور روایت من المعصوم، دلیل معتبر داشته باشد.

رابعا؛ در تعارض با اموری مثل تخییر، ترجیح، تساقط، توجیه عرفی، و حمل غیر تبرعی مواجهیم. حمل تبرعی هم علی المبنا چنان­که خواهد آمد که آیا قبول داریم الجمع مهما امکن اول من الطرح او لا.

به هر حال این مطلب اول تا با تعارض آشنا بشویم.

1. در بحث اشتباه حجت با لا حجت، بنده معتقد هستم که مصداق منحصر به فرد این، در آن­جاست که حجت با لا حجت من حیث اعتبار السند و الصدور اشتباه شده باشند و بس. مثلا اگر جزء کسانی بودیم که به رجال و سند، اعتماد داشتیم، یک روایت آمده، از جناب ابو بصیر مثلا، تحقیق کردم، فهمیدم این ابوبصیر، ابوبصیر ثقه است یا ابو بصیر غیر ثقه. اگر ابو بصیر ثقه باشد، حجةٌ اگر ابو بصیر غیر ثقه باشد، لا حجة. اینجا امر دائر می­شود بین الحجة و لا حجة. با توضیح بیشتری که خواهد آمد. این نکتۀ اول در مطلب دوم.

نکتۀ دوم در مطلب دوم این که ما نمی­توانیم فرض کنیم اشتباه حجت با لا حجت را در جایی که بگوییم یکی از این­ها مخالف قطعیات دینی است، نمی­دانم کدام است، این­جا برای فقیه که تشخیص دادن مخالف قطعیات بودن سهل است، پس این تصویر در اشتباه حجت با لا حجت پیش نخواهد آمد اساسا، و فقط چنان­که گفتیم، بحث سندی است و صدوری و بس.

نکتۀ سوم این­که آن­چه که در اشتباه حجت با لا حجت، در واقع حجت است، و من آن را نمی­شناسم، حجت فعلیه و گریبان­گیر مکلف نیست، حجیت اقتضائیه است و بنابراین، به نظر ما، خلافا لمستفاد من کلام سیدنا السیستانی، در اشتباه، حجت با لا حجت، علم اجمالی ما منجز نیست، چون بحث حجیت اقتضائیه است. به عبارت بهتر، هم­واره دو چیز مانع به فعلیت رسیدن، حجیت اقتضائیه است، به حجیت فعلیه:

1. استقرار غیر قایل حل تعارض، که به تساقط بیانجامد.
2. استقرار اشتباه حجت و لا حجت.

پس معنا ندارد در اشتباه حجت و لا حجت سخن از علم اجمالی به میان بیاوریم. علم اجمالی منجز و مؤثر، آن­طور که در تقریرات آمده بود که در مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت، علم اجمالی به حجیت احدهما داریم، و این علم اجمالی مؤثر است، ما تأثیری در این علم اجمالی نمی­بینیم؛ چون حجیت اقتضائیه است الآن که اشتباه است و به حجیت فعلیه، نرسیده است.

نکتۀ چهارم، این است که در موارد دما و فروج و اموال که احتیاط عقلا و شرعا لازم است، این علم اجمالی به حجت و لا حجت می تواند منشأ اثری به نام احتیاط بوده باشد.

نکتۀ پنجم این که در مورد نفی ثالث چه در تعارض، چه در اشتباه حجت با لا حجت باید ببینیم،آیا معتقدیم که مدلول التزامی بقاءَ هم فرع بر مدلول مطابقی هست یا نه. اگر تبعیت بود، هر دو که ساقط می­شوند، مدلول التزامی هم ساقط می­شود، اگر تبعیت نبود، بله می توانیم بگوییم مدلول مطابقی ساقط شد ولی مدلول التزامی باقی است، در تقریرات سید سیستانی این بود که در مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت، نفی ثالث، وفق قاعده است، یعنی مبنایی نیست، **لأنّنا نعلم اجمالاً بوجود الحجة الفعلیة علی احد هذین الحکمین، فالثالث لو کان محتملا فلدینا حجة فعلیة علی خلافه.**

آن­چه ما می فهمیم این است که اشتباه حجت با لا حجت، فقط من حیث السند و الصدور قال تصور است، آن هم جایی که مثلا گفتم یک ابو بصیر در روایت آمده­ است، نمی دانم ابو بصیر قابل قبول است، یا ابو بصیر غیر موثق، اینجا هرگز علم اجمالی به وجود حجیت فعلیه نیست. بلکه علم اجمالی دارم، که یکی از این دو حجت اقتضائیه دارد، حال که نمی دانم کدام است، روایت مدلول مطابقیش، که از کار افتاد، مدلول التزامیش هم از کار می­افتد، من نتوانستم برای اشتباه حجت با لا حجت، فرض، قابل قبولی غیر از بحث سندی پیدا کنم.

حال باز شما روی مطلب تاملی بفرمائید تا جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .